

رویکردی فقهی و نوین در مسئولیت پزشک

زهرا فیض

۱- هیئت علمی دانشگاه پیام نور

Email: z.feiz50@gmail.com

چکیده

اخذ براءت از بیمار جهت رفع مسئولیت از پزشک، یکی از مباحث مهم و روزآمد فقه و حقوق پزشکی، است. فقهای امامیه در خصوص ضمان پزشک حادثی که با رضایت بیمار به معالجه و مداوای وی اقدام می‌نماید بدون آن که تقصیری مرتکب گردد، اختلاف نظر دارند. گروهی به عدم ضمان حکم کرده‌اند؛ و مشهور فقها قائل به ضمان پزشک شده‌اند و بر این باورند که در صورت عدم اخذ براءت، پیش از اقدام به معالجه، پزشک ضامن خواهد بود. این نوشتار با عنایت به نظرات فقهی و حقوقی به نقد و بررسی دیدگاه اخیر می‌پردازد. ضامن دانستن پزشک حادثی که با رعایت موازین علمی و حرفه‌ای طبابت نموده است، به دور از عدالت است. محقق در این مقاله به این نتیجه رسیده است که صرف رضایت بیمار به انجام درمان برای رفع مسئولیت مدنی از شخص پزشک کافی است و نیازی نیست که جهت براءت پزشک از صدمات وارده به شخص بیمار از وی براءت نامه اخذ گردد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز چنین مقرر داشته که در صورت عدم تقصیر پزشک، حکم به عدم ضمان وی می‌شود، حتی اگر پیش از معالجه، اقدام به تحصیل براءت نکرده باشد.

کلمات کلیدی: مسئولیت مدنی، تحصیل براءت، ضمان پزشک، رضایت، تقصیر.

۱. مقدمه

از آنجا که اقدامات پزشکی نوعی تصرف در تمامیت جسمانی و معنوی افراد بوده، قانون مجازات اسلامی در راستای حفظ کرامت انسانی افراد بر لزوم اخذ رضایت و براءت از بیمار یا ولی او پیش از اعمال طبابت در کنار بکارگیری دانش و تجربیات پزشکی تاکید کرده است. این مسئله در فقه امامیه نیز مورد توجه فقها بوده است. بر طبق اجماع فقهای شیعه، پزشک در صورتی که در راستای طبابت مرتکب تقصیر شود یا بدون اذن و رضایت بیمار اقدام به درمان وی نماید، ضامن است، (نجفی، ۱۳۸۴، ج ۴۳، ص ۴۴، شهید ثانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰) هم چنین بر طبق نظر مشهور فقها، پزشک صرف نظر از ارتکاب تقصیر یا عدم تقصیر، ضامن جراحاتی است که در نتیجه‌ی طبابت بر بیمار وارد می‌آورد. (همان، ص ۴۶) حتی اگر وی فردی حادثی بوده و بیمار نیز به وی اذن در طبابت را داده باشد. (محقق حلی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۳۲۳) مگر آن که بیمار قبل از عمل طبابت ذمه‌ی طیب را از ضمان آینده بری سازد. قانون مجازات اسلامی سابق، با پیروی از دیدگاه مشهور فقها، پس از آن که در ماده ۳۱۹، پزشک را در هر حال ضامن خسارات ناشی از درمان می‌دانست، در ماده ۳۲۲، تحصیل براءت از بیمار را به عنوان براءت پزشک از مسئولیت مدنی می‌دانست، اما در قانون جدید مجازات اسلامی در صورتی که پزشک قصور ننموده باشد بدون تحصیل براءت از بیمار حکم به عدم ضمان پزشک داده است؛ و در این صورت تحصیل براءت در عمل فایده و تاثیری در رفع مسئولیت مدنی پزشک ندارد، و این در حالی است که رضایت بیمار در شرایط عادی و با آگاهی کامل نیز بر براءت پزشک دلالت دارد بر این اساس در این نوشتار پس از تبیین لزوم اخذ براءت، لزوم یا لازم نبودن آن برای بری نمودن ذمه پزشک از مسئولیت مدنی، مورد بررسی قرار می‌گیرد، و پاسخ به این سوال که آیا با رضایت کامل بیمار می‌توان بدون اخذ براءت ذمه پزشک را از مسئولیت مدنی معاف نمود؟

۲. ماهیت حقوقی مسئولیت پزشک، قراردادی یا غیر قراردادی

همیشه در بحث ضمان طبیب بحث ماهیت حقوقی ضمان طبیب مورد بحث و نظر بوده است. حقوقدانان مسئولیت مدنی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت مدنی خارج از قرارداد. که به مفهوم آن از لحاظ لغوی و حقوقی و اخلاقی خواهیم پرداخت.

۲.۱. مفهوم مسئولیت

واژه مسئولیت در لغت مصدر جعلی و از ریشه سؤال به معنی ضمانت، ضمان، تعهد و مؤاخذه می‌باشد و مسئول که اسم مفعول است به معنای «کسی که از وی سؤال کنند»، «سؤال شده»، «پرسیده شده»، «پرسش شده» و سؤال کرده» آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۳۸۲۱)

در اصطلاح حقوقی، مسئولیت عبارت است از تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی یا ناشی از فعالیت او باشد. در فقه، واژه‌ی ضمان در همین معنی به کار رفته و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و مسئولیت کیفری است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۶۴۲) که از طریق ایفای تعهد مسئول یا اجرای کیفر درباره‌ی او زایل می‌گردد. ولی باید به این نکته توجه داشت که موارد استعمال ضمان وسیع‌تر از مسئولیت است. مثلاً در ضمان عقدی و ضمان معاوضی نمی‌توان واژه‌ی مسئولیت را به کار برد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۳۲۴) باید توجه داشت که در حقوق اسلامی (فقه) بجای مسؤولیت، لفظ «ضمان» در همین معنا به کار می‌رود که هر نوع مسؤولیتی اعم از مسؤولیت مدنی (مالی) و مسؤولیت کیفری را در بردارد (تاجمیری، ۱۳۷۵، ص ۲۴).

۲.۲. انواع مسئولیت

۲.۲.۱. مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد پزشکی

مسئولیت قراردادی عبارتست از مسئولیت در قبال خسارتی که در نتیجه‌ی اجرا نکردن تعهدی به بار آید که از عقد ناشی می‌شود. کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث وارد آمدن زیان به هم پیمانانش می‌شود باید از عهده‌ی خسارتی که به بار آورده برآید. ضمانی که بدین سبب متوجه فرد متخلف می‌شود، به لحاظ ریشه‌ی اصلی، مسئولیت قراردادی نامیده می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۷۴) و مسئولیت خارج از قرارداد عبارتست از این که قرارداد شخصی وجود ندارد در این مورد یک طرف به علت فعل یا ترک فعل به عمد یا به خطا ضرر و زبانی به دیگری می‌زند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ص ۶۴۲) ریشه این نوع مسؤولیت پیمان بین متضرر و زیان زنده نیست. بلکه تخلف از تکالیفی است که برای همه افراد وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۰ و ۱۱) لازمه عدم انجام تعهد در قرارداد طلب خسارت از ناحیه خسارت دیده است و متعهد مسئولیت قراردادی دارد. و عنوان خسارت مذکور نیز عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد است. در مسئولیت خارج از قرارداد شخص از متعهدهای عمومی و قانونی سرپیچی کرده است و ضرری زده است.

۲.۲.۲. مسئولیت اخلاقی و حقوقی

مسئولیت اخلاقی عبارتست از مسئولیتی که قانونگذار متعرض آن نشده و تنها ضمانت اجرای درونی و وجدانی دارد فقط وجهه مسئولیت در برابر خدا یا خود انسان یا وجدان اوست و ضمانت اجرای حقوقی ندارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ص ۶۴۲) بنابراین مسؤولیت اخلاقی، کاملاً جنبه درونی و شخصی دارد و برای مسؤول شناختن فاعل، لازم است که اندیشه و وجدان وی بازرسی شود. (اشتری، ۱۳۷۵، ص ۲۹) مثلاً کسی که شاهد غرق شدن شناگری است با وجود تمکن از کمک، یاری نمی‌کند در این جا فقط وجدانش شرمسار است و مسئولیت قانونی ندارد در مسئولیت قانونی، انجام فعل و ورود ضرر، شرط تحقق مسئولیت است برخلاف مسئولیت اخلاقی (تاجمیری، ۱۳۷۵، ص ۲) مسئولیت حقوقی آن است که مواردی در قانون احصاء شده و ضمانت اجرای قانونی (کیفری و مدنی) دارد در کیفری و مدنی وجهه مشترک آن نقض قرارداد است و می‌شود از دادگاه مطالبه کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۱۲، رضائی، ۱۳۷۲، ص ۳۶)

یکی از تفاوت‌های مسؤولیت اخلاقی و حقوقی، ضمانت اجرای آن دو است. زیرا، هر چند مسؤولیت اخلاقی، ضمانت اجرای قواعد اخلاق است، اما اعمال آن در خارج و مطالبه آن از دادگاه غیر ممکن است. به علاوه، ممکن است حدود خصوصیات موضوعات قوانین، با حدود و ویژگی‌های موضوعات اخلاقی متفاوت باشد. مثلاً برخی قوانین رنگ و بوی سیاست داشته باشد. (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۳۰) بنابراین مسؤولیت اخلاقی، پاسخگویی انسان در برابر وجدان خویش و در برابر پروردگار است. مسؤولیت حقوقی، مسؤولیتی است که شخص در برابر دیگران دارد و معمولاً به وسیله پرداخت‌های مالی، جبران می‌گردد برخلاف مسؤولیت اخلاقی که قابل تقویم به پول نمی‌باشد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۳) که به دو قسم مسؤولیت مدنی و کیفری تقسیم می‌گردد.

۲.۲.۳. مسئولیت مدنی و کیفری

مسؤولیت مدنی، به معنای تعهد به جبران خسارت است تعهد و الزام شخص به جبران زیان وارده به دیگری چه زیان و اراده در اثر عمل خود شخص یا اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۳) دو

نظریه مرسوم که مبانی مسؤولیت مدنی را تشکیل می‌دهند نظریه خطر و نظریه تقصیر می‌باشند. در میان فقها، از تقصیر، به تعدی و تفریط یاد می‌گردد و مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی، متضمن این معنا می‌باشد. ریشه فقهی نظریه خطر را در قاعده «من له الغنم فعلیه العزم» می‌توان یافت. براساس نظریه تقصیر، زیان دیده باید تقصیر زیان رساننده را ثابت کند. اما در نظریه خطر جهت سهولت در طرح دعاوی مدنی، زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر زیان رساننده ندارد و تنها باید وجود رابطه علیت میان ضرر و ضرر رسان را به اثبات برساند. (صفایی، ۱۳۵۱، ص ۵۳۸).

مسؤولیت کیفری مسؤولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون است. همچنین مسؤولیتی است که مرتکب عمل مجرمانه علاوه بر عدم اطلاع باید دارای اراده سوء نیت یا قصد مجرمانه بوده، رابطه علیت بین عمل ارتكابی در نتیجه حاصل از جرم باید وجود داشته باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتکب منتسب نمود. شخص مسؤول به یکی از مجازات های مقرر در قانون خواهد رسید و بعلاوه باید از عهده خسارت مدعی خصوصی هم برآید. مسؤولیت کیفری و مسؤولیت مدنی که از جهات مختلف با هم تفاوت دارند ولی قدر مشترک هر دو نقض الزام و تعهدی است که قرار داد یا قانون به عهده اشخاص قرار داده است و هر دو را می‌توان از دادگاه مطالبه نمود و وجود ضرر نیز در هر دو مفروض است (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ص ۵۱۲؛ صالحی، ۱۳۷۲، ص ۳۶).

۳. مسؤولیت پزشک در فقه شیعه

۳.۱. مسؤولیت پزشک غیرحاذق و حاذق مقصر

بدون شک پزشکی که مهارت نداشته باشد یا بدون اذن بیمار یا ولی او به درمان اقدام کند یا در کار خود مرتکب قصور یا تقصیری شود و صلاحیت و مهارت علمی و عملی لازم را نداشته باشد، فقهای شیعه او را ضامن می‌شناسند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۴، محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۱، موحدی لنگرانی، ۱۴۱۸، ص ۵۶، صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰) پزشکی که علی رغم نا آگاهی از فنون طبابت اقدام به طبابت می‌کند در واقع جان بیمار را به بازی می‌گیرد و مورد تعدی قرار می‌دهد این عمل او به حکم شرع حرام است و اگر در کارش عمدی وجود داشته باشد و منجر به خسارتی شود، بعید نیست که قتل یا جنایت عمد تلقی گردد. در این که چنین طبیبی در قبال خساراتی که از سوی او متوجه مریض می‌شود ضامن است هیچ بحثی نیست، بلکه قاعده‌ی اولیه ضمان اوست، چون بر جان مؤمنی بدون حق تعدی کرده است. (شریفی، مبانی مسؤولیت مدنی پزشکان در فقه امامیه، ص ۱۳۹) در متون فقهی، از پزشک جاهل و بدون تخصص با عنوان «قاصر المعرفة» یاد شده است. برخی از فقها بر ضمان چنین پزشکی ادعای اجماع و نفی خلاف کرده‌اند. (سیوری حلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۶۹، حسینی عاملی، بی تا، ص ۹، طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۷۴) بسیاری از فقها ادعای اجماع کرده‌اند که پزشک جاهل ضامن خساراتی است که وارد می‌کند (نجفی، ج ۴۳، ص ۴۴) از حضرت علی (ع) روایت شده که فرمود: «بر امام واجب است علمای فاسق و پزشکان جاهل و ... را زندانی کند» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱۹) از فقهای اهل سنت نیز در این باره در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است که «من تطیب و لم یعلم منه طب فهو ضامن» (ابی داود، سنن ابی داود، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸۷، نسائی، سنن نسائی، ۱۲۴۸، ج ۸، ص ۵۳)

البته اگر پزشک جاهل وانمود کند که آگاه و حاذق است، مصداق قاعده غرور خواهد بود و علاوه بر ادله ضمان نفس و مال می‌توان برای مسئول دانستنش به قاعده غرور نیز تمسک کرد. اگر این عنوان در قانون، مجازاتهای خاص خود را داشته باشد، علاوه بر مسؤولیت مدنی، مسؤولیت کیفری هم متوجه او خواهد شد. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۶۹) اما در فرضی که پزشک فاقد آگاهی و تخصص لازم با گرفتن برائت از بیمار یا ولی وی، مبادرت به درمان می‌نماید و موجب بروز خسارتی به بیمار می‌گردد، آیا اخذ برائت رافع مسؤولیت وی خواهد بود؟

از نظر برخی فقها عمل چنین طبیبی، تغیر به جان و جسم انسان است و دفع ضرر محتمل واجب است. بعلاوه، انسان حق ندارد با فرض آگاهی نداشتن و عدم تخصص به انجام کاری مبادرت نماید و موجب ضرر به غیر گردد. (حسینی شیرازی، بی تا، ص ۲۷۴) از کلام برخی دیگر از فقها به طور ضمنی می‌توان این گونه استنباط نمود که اخذ برائت، مسؤولیت پزشک جاهل و فاقد تخصص و مهارت را رفع نخواهد کرد و عدم تصریح به این مطلب به جهت بدهت ضمان وی بوده است؛ زیرا در بسیاری از متون فقهی، اخذ برائت فرع بر مسؤولیت پزشک حاذق، ماهر و عالم پیش بینی شده است و حاکی از آن است که پزشک جاهل و غیر حاذق همواره مسئول

است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۲، اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۳۸۰، حلی، ۱۴۰۵، ص ۵۸۶) بنابراین برائتی که در قانون پیش بینی شده، ناظر به پزشک حاذق است، زیرا مسئولیت پزشک فاقد مهارت مطلق بوده و ضمان وی امری مسلم است؛ و انجام کار طبابت به دست این‌گونه افراد برای آنان مسئولیت در پی خواهد داشت و حتی قانونگذار عمل آنان را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

باید توجه داشت که تقصیر عمدی در اجرای قرارداد معنای وسیعی دارد بدین معنی که نه تنها شامل مواردی می‌شود که پزشک به طور عمدی زبانی را به بیمار وارد می‌کند، بلکه مواردی را هم که نامبرده به اختیار از اجرای قرارداد سرباز می‌زند و در نتیجه خسارتی به بیمار وارد می‌گردد شامل می‌شود. شرط برائت در صورت ارتکاب چنین تقصیری نمی‌تواند کارگر باشد و دفاع مؤثری در برابر دعوای جبران خسارت باشد زیرا اولاً فرض آن است که در مقصود مشترک، شرط برائت ناظر به خودداری عمدی پزشک از اجرای قرارداد نبوده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۸۴۱).

۳.۲. مسئولیت مدنی پزشک حاذق بدون تقصیر

آن چه بررسی پیرامون آن حائز اهمیت می‌باشد طبیعی است که با وجود مهارت و تخصص کافی و بدون این‌که به هنگام معالجه‌ی بیمار کوتاهی و تقصیری از او سرزده باشد، در کار خود موفقیتی به دست نیابد و در نتیجه، بیمار جان خود را از دست دهد یا دچار نقص عضو شود در این باره آن چه در میان فقیهان شیعه شهرت داشته این است که پزشک یاد شده ضامن نمی‌باشد. شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن براج، سلار، علامه حلی، شهید اول و شهید ثانی، صاحب جواهر و دیگران در این مورد پزشک را مسئول دانسته‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۶).

۴. ضمان پزشک در فقه شیعه

مشهور فقهای امامیه معتقدند علی‌رغم حاذق و ماهر بودن و علی‌رغم رعایت موازین فنی و نظامات دولتی و علی‌رغم معالجه بیمار با اذن، چنانچه قبل از معالجه برائت اخذ نگردد، پزشک ضامن خواهد بود. آنان معتقدند اذن در معالجه، اذن در تلف نیست و بیمار با اذن خود به دنبال درمان بیماری بوده است و خواهان مرگ یا نقص و صدمات بدنی نمی‌باشد. (شهید ثانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۹) هم چنین فقها معتقدند که جواز و اذن به معالجه و ضمان طبیب منافاتی با هم ندارند؛ چرا که ممکن است انجام عملی شرعاً و قانوناً جایز باشد، اما در مواردی هم برای فاعل آن عمل مسئولیت به دنبال داشته باشد. (همان، ص ۱۱۰). البته فقهای شیعه بر این نظرند در مواردی که پزشک حاذق و مأذون بوده اما مرتکب خطا شده و در معالجه بیمار قصور نماید، ضامن و مسئول خواهد بود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۴۴، موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۰، تبریزی، ۱۴۲۸، ص ۵۵، محسنی قندهاری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۷) و بعضی از فقها در حکم ضمان پزشک مقصر، ادعای نفی خلاف نموده‌اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۲۲۷، حسینی عاملی، بی تا، ص ۹، موسوی خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۷۳).

۴.۱. لزوم اخذ برائت از بیمار در ابراء پزشک

از نظر مشهور فقها، برای رهایی پزشک از مسئولیت نسبت به جراحات وارده بر شخص بیمار گرفتن برائت شرط دانسته شده است. فقهایی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن براج، ابن زهره، در لزوم اخذ برائت از بیمار جهت رفع ضمان از پزشک قائل بر لزوم اخذ برائت از بیمار شده‌اند. (حسینی عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲۱، ص ۱۰) فقهایی متأخر نیز، همچون صاحب کتاب تحریر الاشاد، مرحوم فخر المحققین در کتاب الايضاح الفوائد، مرحوم شهید اول در دو کتاب خود اللعنه و غایه المراد، صاحب کتاب التتبیح، مرحوم شهید ثانی در دو کتاب خود المسالک و الروضه البهیه، صاحب الرياض مرحوم محقق کرکی در کتاب جامع المقاصد و صاحب کتاب المفاتیح همگی در صورت برائت از بیمار قائل به ضمان طبیب هستند. (همان، ص ۱۲) مرحوم محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۳۲) و علامه حلی (فخر المحققین، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۵۶) و صاحب جواهر و شهید اول و شهید ثانی همگی پس از اختلافی دانستن وجود یا عدم وجود ضمان پزشک در این‌گونه موارد در کنار پذیرش نفوذ برائت بیمار، ضمان طبیب نسبت به خسارات وارده را بهتر از قول

دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران

عدم ضمان می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۵۴۸) امام خمینی هم در کتاب تحریر الوسیله طبیب را در صورت وارد نمودن خسارت ضامن می‌داند. (الموسوی الخمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۶۱).

فقه‌های دیگری نیز بر این نظرند که، در فرض اخذ برائت نیز هرگاه پزشک در راستای معالجه مرتکب تقصیری شده و از تقصیر او زبانی به بیمار برسد، مسئول است و داشتن برائت تاثیری بر مسئولیت او ندارد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۰۳، موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹۱، طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۱)

حقوقدانان هم در بحث اخذ برائت پزشک از بیمار، گفته‌اند چنانچه پزشک به هنگام معالجه‌ی بیمار مرتکب تقصیر شود، تحصیل برائت پیش از شروع به درمان از وی سلب مسئولیت نخواهد کرد؛ و برائت زمانی مؤثر است که پزشک در انجام طبابت خود مرتکب تقصیر و خطایی نشده باشد. (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۹، شجاعپوریان، ۱۳۷۳، ص ۶۸، پور اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۶۳، کاظمی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴، ایمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۶، پارساپور و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۰، حق محمدی فرد و موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۵۶) در واقع اخذ برائت از ضمان، بار دلیل را جابجا می‌کند؛ یعنی در صورت عدم تحصیل برائت پزشک می‌تواند با اثبات عدم تقصیر، از خود رفع مسئولیت کند؛ لیکن در صورت اخذ برائت از ضمان بار دلیل بر عهده بیمار است که می‌تواند با اثبات تقصیر پزشک، او را مسئول و ضامن خسارات وارده بشناسد. این نظر علاوه بر این که با مبنای فرض تقصیر سازگار است موافق مصلحت جامعه است؛ زیرا اگر پزشک، حتی در صورت ارتکاب تقصیر، مبری از مسئولیت باشد، چه بسا ممکن است دقت و مراقبت لازم را به کار نبرد و بر اثر بی احتیاطی و بی دقتی پزشک، سلامت یا جان بیمار به خطر بیفتد و بدیهی است که این وضع موجب گسترش بی احتیاطی و بی دقتی پزشکان و به زیان جامعه خواهد بود. وانگهی بیمار پزشک را از خسارات ناشی از معالجه بری کرده است نه از زیانهای ناشی از تقصیر. (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲) برخی نیز متذکر شده‌اند که آمادگی بیمار و اعتماد به پزشک و اذن به معالجه یا اعطای برائت به او در صورتی کارساز است که پزشک بر اساس کتب پزشکی مرجع اقدام کرده باشد و بتواند ثابت کند که بر وفق آن اصول رفتار نموده یا اگر در کتب مرجع معالجه‌ی خاصی توصیه نشده، بر اساس علم و تجربه روز پزشکی عمل کرده است و الا اگر ضرری اعم از فوت، تشدید بیماری، نقص عضو یا عوارض جانبی، وارد شده باشد، آمادگی و اذن و حتی اخذ برائت از بیمار هیچ گونه اثری در رفع مسئولیت پزشک ندارد. (داراب پور، ۱۳۸۴، ص ۳۰۵، خادم سربخش، ۱۳۸۹، ص ۵۸) برخی حقوقدانان نیز بر این نظرند که اثر شرط برائت بر طرف نمودن اماره مسئولیت پزشک است و اثر ابرائی کامل ندارد. بدین معنا که در صورتی که پزشک اخذ برائت نکرده باشد اگر در نتیجه انجام معالجه، زبانی به بیمار برسد فرض می‌شود که پزشک مسئول است و به دیگر سخن اماره مسئولیت وجود دارد و زیان دیده ملزم به اثبات شرایط مسئولیت پزشک نیست، بلکه پزشک باید عدم مسئولیت خود را ثابت کند و اثبات عدم مسئولیت جز از طریق اثبات سبب خارجی که نتوان منتسب به او دانست، ممکن نیست یعنی او باید ثابت کند که زیان وارد به بیمار منتسب به او نیست. اما در صورتی که پزشک از بیمار اخذ برائت نماید، اماره مسئولیت از بین می‌رود و مسئولیت وی تابع شرایط عادی می‌شود بدین معنا که بیمار باید شرایط مسئولیت او را که از جمله تقصیر پزشک است ثابت نماید. بنابراین اثر اخذ برائت در همین حد است که اماره مسئولیت را از بین ببرد و پزشک را به طور مطلق از مسئولیت بری نمی‌کند؛ بلکه در صورت ثبوت تقصیر به رغم شرط برائت، مسئول است. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۳۲۶)

در قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۴۹۵، به صراحت تأثیر برائت را منوط به عدم تقصیر پزشک می‌کند و بدین ترتیب، ارتکاب هر گونه تقصیر از ناحیه‌ی پزشک، موجب مسئولیت وی خواهد بود و اخذ برائت از بیمار تأثیری در آن نخواهد داشت. در نتیجه، هم بر اساس فقه و هم از نظر قوانین و مقررات، اخذ برائت در صورتی موجب برائت پزشک خواهد بود که تقصیر و خطایی از ناحیه‌ی وی رخ نداده باشد. (عامری، همتی، ۱۳۹۴، ص ۶۸).

۴.۲. دلایل ضمان پزشک مأذون و حاذق غیر مقصر

۴.۲.۱. قاعده‌ی اتلاف

مشهور فقها قاعده‌ی اتلاف را به عنوان مهمترین دلیل ضمان پزشک غیرمقصر نسبت به بیمار زیان دیده می‌دانند. حتی برخی از فقها بر این نظرند که این قاعده به تنهایی برای اثبات ضمان پزشک کافی است. (طباطبائی قمی، ۱۴۲۳، ص ۱۰۲) از دیدگاه فقهای شیعه، اتلاف از موجبات ضمان قهری محسوب می‌شود. (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷) به موجب این قاعده هر تلف کننده‌ای ضامن ضرر و زبانی است که به فرد دیگری وارد می‌کند، و ورود جراحت به بیمار از مصادیق مباشرت در اتلاف است و از آن جایی که در اتلاف تقصیر شرط نمی‌باشد، برای ضمان طبیب نیز ارتکاب و اثبات تقصیر شرط نمی‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۷) و از آن جا که پزشک

دوین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران

در اتلاف بیمار یا جرح او مباشرت داشته، بنابراین باید به مقتضای قاعده‌ی اتلاف او را ضامن دانست. زیرا اطلاق قاعده اتلاف، اقدامات پزشک غیر مقصر را نیز در بر می‌گیرد، زیرا زیان بیمار مستند به فعل پزشک است. ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره یک آن به این موضوع اشاره کرده و تلف یا صدمه‌ی بدنی ضامن است مگر آن که مطابق ماده ۴۹۵ این قانون عمل نماید. بیان می‌دارد: «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه‌ی بدنی ضامن است مگر آن که مطابق ماده ۴۹۵ این قانون عمل نماید.

تبصره ۱- در موارد مزبور، هر گاه مریض یا پرستار بدانند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.»

۴.۲.۲. اذن بیمار

اذن بیمار به معالجه هیچ دلالتی بر اذن وی به ورود جراحت از سوی پزشک ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۷) فقها بر این نظرند که اذن فی نفسه دلالت بر عدم ضمان نمی‌کند. زیرا اذن صرفاً اجازه‌ی در تصرف است که اگر این اجازه مطلق باشد، می‌تواند با ضمان یا عدم ضمان همراه باشد. (المراغه‌ای، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۵۱۲)

۴.۲.۳. اجماع فقیهان شیعه

ابن زهره، از فقیهان متقدم ادعای اجماع کرده است که طیب ضامن است. (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص)

۵. بررسی آرای فقهای مخالف لزوم اخذ برائت

ابن ادریس حلی از جمله فقهایی است که با وجود رضایت بیمار به انجام طبابت ضرورتی به اخذ برائت از بیمار توسط پزشک جهت عدم مسئولیت پزشک نظر داده است. از نظر ایشان در صورت اذن یا رضایت بیمار به درمان، پزشک به شرط حاذق بودن، ضامن خسارات وارده بر بیمار نمی‌باشد. زیرا از نظر ایشان ضمان طیب با اذن بیمار برداشته می‌شود و دیگر آن که فعل پزشک یک عمل جایز بوده و از این رو مستوجب ضمان نمی‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۵۴۸، حسینی عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲۱، ص ۱۰) مقدس اردبیلی (ج ۱۳، ص ۳۸۱) و بعضی از فقیهان معاصر دیدگاه ابن ادریس را تقویت نموده اند. (شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۷۶)

۵.۱. دلایل معافیت از مسئولیت پزشک مأذون حاذق

۵.۱.۱. تخصص پزشک

پزشک متخصص که با اذن بیمار یا ولی او معالجه می‌کند و تمام امکانات، علم و تجربیات خویش را در جهت معالجه‌ی بیمار به کار می‌گیرد و بر طبق موازین علمی عمل نموده و بدون تقصیر و خطای وی، به بیمار زانی وارد شده است پزشک وظیفه‌ای نسبت به جبران خسارت ندارد.

به علت تکامل تدریجی علوم بشری، علم پزشکی در حال پیشرفت است. پزشک مطابق تجربه‌ها و معلومات زمان خود به مداوای بیمار اقدام می‌کند و لازم نیست که فراتر از آن چیزی بداند و این مهم از سوی برخی فقیهان پذیرفته شده است. (عامری، همتی، ۱۳۹۴، ص ۶۹) حقوقدانان نیز بر این نظرند که در شرایطی که پزشک از تمام توان و علم و تجربیات خود استفاده نماید در این صورت نمی‌توان پزشک را متلف دانست. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۰، صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷)

در بحث از ارکان مسئولیت مدنی پزشک، از رابطه‌ی سببیت بین خطای پزشکی و زیان وارده به بیمار سخن به میان آورده و معتقدند برای تحقق مسئولیت پزشک لازم است ثابت شود که بر اثر خطای پزشک به بیمار ضرری وارد شده است. (شجاعپوریان، ۱۳۷۳، ص ۱۳۵، عباسی، ۱۳۸۴، ص ۷۹، جعفری تبار، ۱۳۷۷، ص ۶۹) همچنین استدلال می‌کنند هر چند مواد قانونی به گونه‌ای تدوین شده که بیمار را از اثبات خطای پزشک بی‌نیاز می‌کند و تنها کافی است رابطه‌ی سببیت را به اثبات رساند، منتها اثبات همین رابطه در غالب موارد، منوط به این است که بی‌مبالاتی و عدم مهارت پزشک اثبات شود و در دعوی خسارت، دشوار است که زیان دیده بتواند رابطه‌ی میان اثر درمان و خسارت را بدون نسبت دادن تقصیر به پزشک، ثابت کند. پس در رابطه با مسئولیت پزشک، به عنوان استثنایی بر قاعده‌ی اتلاف، نیاز به اثبات تقصیر و خطای پزشک وجود دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۹۰)

آنچه از نظر نگارنده مناسب به نظر می‌رسد آن است که زمانی که پزشک نهایت سعی و تلاش خود را بکار می‌گیرد و از تمامی دانش خود و تجربیات خود جهت مداوای بیمار استفاده می‌نماید نمی‌توان ضمانتی به جهت عدم اخذ برائت از بیمار بر عهده او نهاد.

۵.۱.۲. اذن بیمار یا ولی او

اذن بیمار یا ولی او ساقط کننده‌ی مسئولیت پزشک است. در غیر اینصورت امر درمان متعذر یا مختل خواهد شد. بنابر دیدگاه مشهور فقیهان، اذن مطلق موجب سقوط ضمان نمی‌شود، ولی در صورتی که با توجه به شرایط و احوال معلوم شود که طرفین به عدم

دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران

ضمان، توجه داشته‌اند و یا به عدم ضمان تصریح کرده باشند، در این صورت، اذن مقید به عدم ضمان، مسقط ضمان خواهد بود. (نجفی، ج ۳۸، ص ۳۷۴-۳۷۲) چه ضمان جهت حفظ حرمت مال و عمل فرد مقرر شده است و اگر فرد با رضایت خود ضمان را بردارد، در واقع، احترام و حرمت مال و عمل خود را برداشته است و بنابراین، حکم به ضمان، دلیلی ندارد. (مراغی، ج ۲، ص ۵۱۴) به هر حال، رضایت مطرح در کار درمان با رضایی که یکی از شرایط اساسی صحت قراردادهاست و حتی در قرارداد معالجه نیز باید وجود داشته باشد، متفاوت می‌نماید، چه منظور از رضایت به درمان رضایتی است که دخالت پزشک در درمان را مشروع می‌سازد. (از آستین طبیبان، ص ۶۲) حقوقدانان نیز رضایت بیمار به انجام مداوا را از مصادیق قاعده ی پذیرش خطر می‌دانند. از این رو، برائت ذمه ی پزشک از مسئولیت را با استناد به قاعده «پذیرش خطر» از سوی زیان دیده، توجیه می‌کنند. بر طبق این قاعده، شخصی که داوطلبانه رضایت به ارتکاب شبه جرم نسبت به خود را داده است نمی‌تواند به جهت زیان‌های ناشی از آن اقامه ی دعوا کند، زیرا خود کرده را تدبیر نیست. این قاعده که در حقوق مسئولیت مدنی از جمله علل موجه و دفاعیات عامل زیان می‌باشد، در زمره ی دفاعیات مطلق است که عامل زیان می‌تواند به آن استناد کند. مطلق از دو جهت، یکی آن که نه تنها این دفاع تنها دفاعی است که می‌تواند در تمامی دعاوی شبه جرم مطرح گردد و دیگر آن که عامل زیان را نیز از تمام مسئولیت بری می‌گرداند. زیرا دیگر با وجود رضایت یا تقصیری به عامل زیان قابل انتساب نیست و یا این که این تقصیر در برابر زیان دیده قابل ترتیب اثر نیست. زیرا زیان دیده با رضایت خود استحقاق هر گونه حمایت قانونی را از خود سلب می‌کند. (خادم سربخش، ۱۳۸۹، ص ۶۵) دیگر آن که، رضایت آگاهانه، رضایتی است که پزشک پس از گوشزد کردن آگاهی‌های لازم درباره‌ی نوع درمان و عواقب ناشی از آن صورت می‌گیرد، و در صورتی که پزشک، آگاهی‌های لازم را ندهد و به درمان بیمار بپردازد، رضایت اخذ شده، ناآگاهانه است؛ به عنوان نمونه چنان چه پزشک بدون آگاهی‌های لازم درباره‌ی عوارض ناشی از کندن دندان عقل بیمار، آن را بکشد چنین رضایتی به درمان رضایت ناآگاهانه است. (پور اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۶)

۵.۱.۳. جایز بودن درمان بیمار از نظر شرع

درمان بیمار عملی است که شرعاً جایز است. بنابراین، به مقتضای الجواز الشرعی ینافی الضمان نمی‌تواند مسئولیتی را در پی داشته باشد. (پارساپور و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۷)

۵.۱.۴. عدم تقصیر پزشک

آمادگی بیمار و اعتماد به پزشک و اذن به معالجه یا اعطای برائت به او در صورتی کارساز است که پزشک بر اساس کتب پزشکی مرجع اقدام کرده باشد و بتواند ثابت کند که بر وفق آن اصول رفتار نموده یا اگر در کتب مرجع معالجه ی خاصی توصیه نشده، بر اساس علم و تجربه روز پزشکی عمل کرده است و الا اگر ضرری (اعم از فوت، تشدید بیماری، نقص عضو یا عوارض جانبی) وارد شده باشد، آمادگی و اذن و حتی اخذبرائت از بیمار هیچ گونه اثری در رفع مسئولیت پزشک ندارد. (داراب پور، ۱۳۸۴، ص ۳۰۵) پذیرش ضمان مطلق پزشک که نظام مسئولیت پزشک حاذق را با پزشک جاهل برابر می‌سازد، امروزه فلسفه خود را از دست داده است و حتی راه هر گونه خلاقیت را بر روی پزشکان می‌بندد، زیرا نخست آن که پزشکی که به قصد احسان بیماران را درمان می‌کند مطابق «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه، ۹۱) ضامن نیست. (اصفهانی، ج ۲، ص ۱۰۰)

۶. نتیجه‌گیری

اذن بیمار یا ولی او ساقط کننده ی مسئولیت پزشک است. در غیر اینصورت امر درمان متعذر یا مختل خواهد شد. بنابر دیدگاه مشهور فقیهان، اذن مطلق موجب سقوط ضمان نمی‌شود، ولی در صورتی که با توجه به شرایط و احوال معلوم شود که طرفین به عدم ضمان، توجه داشته‌اند و یا به عدم ضمان تصریح کرده باشند، در این صورت، اذن مقید به عدم ضمان، مسقط ضمان خواهد بود. باید میان پزشک مأذون حاذق و ماهر با پزشک جاهل و مقصر تفاوت گذاشت، زیرا برائت مسئولیت پزشک حاذق را بر می‌دارد، ولی اگر پزشکی غیر ماهر یا جاهل به طبابت بپردازد و حتی از بیماران هم برائت اخذ کند مسئولیت مدنی و حتی کیفی چنین پزشکی به قوت خود باقی است.

اخذ برائت از ضمان، با عدم تحصیل آن این تفاوت را ایجاد می‌کند که در صورت اخذ نکردن برائت نامه، پزشک می‌تواند با اثبات عدم تقصیر، از خود سلب مسئولیت نماید و در صورتی که برائت نامه اخذ شده باشد اثبات ضمان بر عهده بیمار است که می‌تواند با اثبات تقصیر پزشک، او را مسئول و ضامن خسارات وارده بشناسد پس در این حالت رضایت کفایت می‌کند.

نظر فقهایی که پزشک حاذق و ماهر را در صورت عدم اخذ برائت از بیمار، ضامن نمی‌دانند، پسندیده تر است، زیرا از نظر اینان صرف اذن بیمار به درمان برای نفی مسئولیت پزشک کافی است. بدین ترتیب همراه شدن با دیدگاه غیر مشهور فقیهان که پزشک مأذون را مسئول نمی‌شمارد، مناسب تر است.

در ماده ۴۹۵ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به صراحت تأثیر برائت را منوط به عدم تقصیر پزشک می‌کند و بدین ترتیب، ارتکاب هر گونه تقصیر از ناحیه‌ی پزشک، موجب مسئولیت وی خواهد بود و اخذ برائت از بیمار تأثیری در آن نخواهد داشت، و رضایت بیمار کافی در عدم ضمان خواهد بود. در نتیجه، هم بر اساس فقه و هم از نظر قوانین و مقررات، اخذ برائت در صورتی موجب برائت پزشک خواهد بود که تقصیر و خطایی از ناحیه‌ی وی رخ نداده باشد. رضایت آگاهانه، رضایتی است که پزشک پس از گوشزد کردن آگاهی‌های لازم درباره‌ی نوع درمان و عواقب ناشی از آن صورت می‌گیرد؛ این رضایت آگاهانه هم‌تراز برائت است.

مراجع

۱. الاصفهانی، بهالدين محمد بن الحسن بن محمد، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحكام، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۰۵ق.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، جلد ۱۳، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳.
۳. تبریزی، جواد بن علی، تنقیح مبانی الأحكام - کتاب الديات، چاپ اول، قم، دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها، ۱۴۲۸ق.
- ۴.
۵. تاجمیری، امیر تیمور، حقوق مدنی، تهران، انتشارات آفرینه، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۶.
۷. حسینی عاملی، سید محمد جواد، بی تا، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، کتاب الديات، بیروت، دارالتراث.
۸. حسینی شیرازی، سید محمد، بی تا، الفقه، کتاب الاجاره، قم، دارالقرآن کریم.
۹. حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۰. حسینی حلبی، ابن زهره، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
۱۱. حلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، چاپ اول، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۲. سیوری حلّی، مقدادبن عبدالله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، جلد ۴، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۱۳. شیرازی، سید محمد، الفقه، چاپ دوم، دارالعلوم، بیروت، ۱۴۰۹.
۱۴. صادقی، محمدهادی، جرایم علیه اشخاص، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۸۲.
۱۵. طباطبائی حائری، سیدعلی بن محمد، ریاض المسائل، جلد ۱۶، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۱۶. طباطبائی حکیم، سیدمحسن، منهاج الصالحین، جلد ۳، چاپ اول، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰.
۱۷. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، جلد ۲، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹.
۱۸. طباطبائی قمی، سید تقی، الغایه القصوی فی التعلیق علی العروه الوثقی - کتاب الاجاره، چاپ اول، قم، محلاتی، ۱۴۲۳.
۱۹. عباسی، محمود، حقوق و پزشکی، چاپ دوم، تهران، حقوقی، ۱۳۸۴.
۲۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد ۵، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰.
۲۱. عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، تصحیح و حاشیه سید محمد کلانتر، نجف، منشورات جامعه النجف الدینیة، بی تا.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی ضمان قهری، تهران، انتشارات دهخدا، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، چاپ ۱۵، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۲۴. لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه، دکتر محمد اشتری، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵.

۲۵. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۲۶. نکت النهایه، جلد ۳، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. محسنی قندهاری، محمد آصف، الفقه و مسائل طبیه، جلد ۱، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ ق.
۲۸. موحدی لنکرانی، محمد فاضل، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله الادیات، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۱۸ ق.
۲۹. موسوی خوبی، منهج الصالحین، جلد ۲، چاپ ۲۸، قم، نشر مدینه العلم.
۳۰. محمود صالحی، جانعلی، حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۳۱. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، المکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، تهران، ۱۴۰۴.
۳۲. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی، نشر آیلا، چاپ اول، ۱۳۷۹.

مقالات:

۳۳. ایمانی، محمدرضا، ۱۳۷۹، نقد ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی، مجله حقوقی دادگستری.
۳۴. پارساپور، محمدباقر و همکاران، ۱۳۸۵، خطای پزشک و تأثیر آن در مسئولیت پزشکان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ویژه نامه اخلاق پزشکی، پیوست شماره ۱.
۳۵. پور اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۸۹، بررسی حقوقی برائت نامه های پزشکی، فصلنامه حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷.
۳۶. پور اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۸۹، بررسی مفاهیم اذن، رضایت و برائت و تأثیر آن‌ها در مسئولیت پزشک، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۲.
۳۷. جعفری تبار، حسن، ۱۳۷۷، از آستین طبیبان، قوی در مسئولیت مدنی پزشکان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۴.
۳۸. حق محمدی فرد، زهرا و سید محمد موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی و کیفی پزشک با تکیه بر آرای امام خمینی، پژوهشنامه متین، شماره ۳۴ و ۳۵.
۳۹. خادم سربخش، مهدی، ۱۳۸۹، رفع مسئولیت مدنی پزشک با اخذ برائت از بیمار، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، شماره ۶.
۴۰. داراب پور، مهربان، ۱۳۸۴، اخذ برائت برای خسارات ناشی از درمان یا عمل جراحی، رافع ضمان یا اعتمادی خلاف احتیاط در مسئولیت تخصصی پزشکان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱.
۴۱. شجاعپوریان، سیاوش، ۱۳۸۹، جایگاه تقصیر در مسئولیت و برائت پزشک، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
۴۲. صفایی، سید حسین، ۱۳۹۱، مبنای مسئولیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۸.
۴۳. کاظمی، محمود، ۱۳۸۹، تحقیقی پیرامون سیر اندیشه ضمان طبیب در فقه امامیه، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.
۴۴. موسوی خمینی، سید روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، جلد ۲، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۴۵. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، چاپ ۱۶، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶.

۴۶. محقق اردبیلی، مولی احمد، مجمع الفایده و البرهان، جامعه المدرسین، قم، ج ۱۳.
۴۷. مراغی، سید میر سید عبدالفتاح بن علی حسینی، العناوین الفقہیہ، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۷.